

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ خیرالدین حفظه الله تعالی

موضوع:

احکام؛ حدود و تعزیرات

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: امیر منتظر المهدی

تاریخ: ۱۴۰۱/۹/۲

در دین اسلام، «محاربه» به چه معناست و «محارب» به چه کسی گفته می‌شود؟ آیا اعمالی که حکومت ایران محاربه می‌شمارد و مرتکبان آن‌ها را به اعدام محکوم می‌کند، مصداق محاربه و مستوجب اعدام هستند؟

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۱/۹/۲۱

«محاربه» به معنای «ستیزه جویی» و «محارب» به معنای مرتکب آن، واژه‌ای قرآنی برگرفته از آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی مائده است که فرموده است: ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾؛ «جزای کسانی که با خداوند و پیامبرش ستیزه می‌جویند و در زمین به فساد می‌کوشند جز این نیست که به سختی کشته شوند یا به دار آویخته شوند یا دست‌ها و پاهایشان از خلاف یکدیگر بریده شود یا از زمین تبعید شوند، این برای آنان ننگی در زندگی دنیاست و برای آنان در آخرت عذابی عظیم است».

از این آیه‌ی شریفه که مبنا و مدرک حدّ محاربه است، سه نکته دانسته می‌شود:

۱. محارب کسی است که با ﴿اللَّهُ وَرَسُولَهُ﴾؛ «خداوند و پیامبرش» ستیزه می‌جوید و ستیزه جستن با آن دو، در کشیدن سلاح بر روی آن دو یا ایجاد ناامنی در جامعه‌ای که تحت حاکمیت آن دو است مصداق می‌یابد. بنابراین، کشیدن سلاح بر روی کسی جز آن دو یا ایجاد ناامنی در جامعه‌ای که تحت حاکمیت آن دو نیست، «محاربه» محسوب نمی‌شود. آری، کشیدن سلاح بر روی خلیفه‌ی آن دو یا ایجاد ناامنی در جامعه‌ای که تحت حاکمیت خلیفه‌ی آن دو است نیز محاربه است؛ چراکه او توسط آن دو منصوب و معرفی شده است. از اینجا دانسته می‌شود که اقدام مسلحانه بر ضدّ نظام جمهوری اسلامی ایران یا ایجاد ناامنی در جامعه‌ی تحت حاکمیت آن،

محاربه محسوب نمی شود و تبعاً هیچ یک از مجازات های مذکور را اقتضا نمی کند؛ چراکه رهبر این نظام فاسد و شرور، نه خداست و نه پیامبرش و نه خلیفه ی آن دو، بل حاکمی جاهل و جائر است که از مصادیق بارز طاغوت محسوب می شود.

۲. محارب کسی است که در زمین به فساد می کوشد و به فساد کوشیدن در آن - بنا بر نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی - در چهار عمل مصداق می یابد؛ چنانکه یکی از یارانش ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ الْهَاشِمِيَّ الْخُرَاسَانِيَّ يَقُولُ: لَا يَجِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا قَتَلَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ أَوْ فَسَادًا فِي الْأَرْضِ، فَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا﴾^۱، قُلْتُ: أَمَا قَتَلَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ فَقَدْ عَرَفْتُهُ، فَمَا الْفَسَادُ فِي الْأَرْضِ؟ قَالَ: مَنْ أَضَلَّ قَوْمًا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ، أَوْ أَخَافَ النَّاسَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ، أَوْ أَزْتَدَّ عَنْ دِينِهِ مُجَاهِرًا، أَوْ زَنَى وَهُوَ مُحْصَنٌ، فَقَدْ أَفْسَدَ فِي الْأَرْضِ»^۲؛ «شنیدم منصور هاشمی خراسانی می فرماید: خون مسلمان را حلال نمی کند مگر کشتن انسانی که خداوند محترم داشته است یا فسادی در زمین؛ چراکه خداوند فرموده است: >هر کس انسانی را بکشد جز در برابر کشتن انسانی یا فسادی در زمین، مانند آن است که همه ی مردم را کشته باشد<، گفتم: کشتن انسانی که خداوند محترم داشته است را دانستم، ولی فساد در زمین چیست؟ فرمود: هر کس قومی را از راه خداوند گمراه سازد، یا مردم را بر جان و مالشان هراسان گرداند، یا آشکارا از دین خود مرتد شود، یا در حالی که مُحْصَن (یعنی دارای همسری در دسترس) است زنا نماید، پس هرآینه در زمین فساد کرده است».

به نظر می رسد که «محاربه با خداوند و پیامبرش» و «به فساد کوشیدن در زمین» با هم ملازمه دارند؛ به این معنا که هر کس با خداوند و پیامبرش ستیزه جُسته، در زمین به فساد کوشیده و هر کس در زمین به فساد کوشیده، با خداوند و پیامبرش ستیزه جُسته است؛ زیرا هر کس در جامعه ای که تحت حاکمیت خداوند و پیامبرش یا خلیفه ی آن دو است، قومی را از راه خداوند گمراه سازد، یا مردم را بر جان و مالشان هراسان گرداند، یا آشکارا از دین خود مرتد شود، یا در حالی که مُحْصَن (یعنی دارای همسری در دسترس) است زنا نماید، اقدام به تضعیف، تلویث و تخریب حاکمیت خداوند و پیامبرش یا خلیفه ی آن دو کرده و از این جهت، مرتکب محاربه با آن دو شده است؛ همچنانکه کشیدن سلاح بر روی آن دو یا خلیفه ی آن دو، مصداق بارز «به فساد کوشیدن در زمین» است، ولی کسی که یکی از این کارها را در جامعه ی تحت حاکمیت دیگران انجام داده،

۱. المائدة/ ۳۲

۲. گفتار ۱۹۳

اصلاً از موضوع حکم خارج است و با این وصف، استناد مسؤولان نظام جمهوری اسلامی ایران به حکم مذکور برای اعدام مخالفان، چیزی جز بازی کردن با احکام اسلام و جعل مشروعیت برای جنایت نیست.

۳. مجازات محارب و مفسد در زمین، منحصرأ اعدام نیست، بلکه بسته به نوع و مقدار جرمش، اعدام یا به دار آویختن یا بریدن دست و پا یا تبعید است؛ چنانکه در روایات فراوانی از اهل بیت وارد شده است که محارب و مفسد در زمین، اگر کسی را کشته و مالش را برده باشد، اعدام و به دار آویخته می‌شود و اگر کسی را کشته، ولی مالش را نبرده باشد، تنها اعدام می‌شود و اگر کسی را نکشته و تنها مالش را برده باشد، دست و پایش بریده می‌شود و اگر نه کسی را کشته و نه مالش را برده باشد، تنها تبعید می‌شود.^۱ بنابراین، حتی کسی که در جامعه‌ی تحت حاکمیت خداوند و خلیفه‌اش سلاح کشیده و به فساد کوشیده است، لزوماً اعدام نمی‌شود، چه رسد به کسی که در جامعه‌ی تحت حاکمیت دیگران چنین کرده است!

از اینجا دانسته می‌شود که اقدام نظام جمهوری اسلامی ایران به اعدام برخی مخالفان مسلح که کسی را نکشته‌اند تحت عنوان محاربه و فساد در زمین، مصداق «تاریکی بر روی تاریکی» است: **«ظَلَمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ»**؛ چراکه نه اقدام مسلحانه بر ضد این نظام فاسد و شرور، محاربه و فساد در زمین محسوب می‌شود و نه مجازات محاربه و فساد در زمین از طریق اقدام مسلحانه بدون کشتن کسی، اعدام است! این گواهی آشکار بر ماهیت غیر اسلامی این حکومت منافق و جنایت‌کار است که خود را نماینده‌ی اسلام و ولی امر مسلمانان جهان می‌شمارد، ولی به مهم‌ترین و واضح‌ترین احکام اسلام پایبند نیست، در حالی که خداوند به صراحت فرموده است: **«وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»**؛^۲ «و هر کس مطابق با چیزی که خداوند نازل کرده است حکم نکند، آنان همانا کافران هستند» و فرموده است: **«وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»**؛^۳ «و هر کس مطابق با چیزی که خداوند نازل کرده است حکم نکند، آنان همانا ظالمان هستند» و فرموده است: **«وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»**؛^۴ «و هر کس مطابق با چیزی که خداوند نازل کرده است حکم نکند، آنان همانا فاسقان هستند». واضح است که چنین حاکمان کافر، ظالم و فاسقی، خود بزرگ‌ترین مصداق محارب و مفسد در زمینند و استحقاق انواع مجازات‌های مقرر را دارند؛ چنانکه خداوند در کتاب خود از آنان یاد کرده و فرموده است: **«وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ۚ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ ۖ**

۱. برای این روایات، بنگرید به: تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵ و ۳۱۷؛ تفسیر علی بن ابراهیم القمی، ج ۱، ص ۱۶۷؛ الکافی للکلینی، ج ۷، ص ۲۴۷؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۴، ص ۶۸؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۱۰، ص ۱۳۱.

۲. الثور / ۴۰

۳. المائدة / ۴۴

۴. المائدة / ۴۵

۵. المائدة / ۴۷



فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَيْسَ الْمِهَادُ^۱؛ «و چون به حاکمیت دست یابد، در زمین می کوشد تا در آن فساد انگیزد و کشت‌ها و نسل‌ها را نابود نماید، در حالی که خداوند فساد را دوست نمی‌دارد و چون به او گفته می‌شود که از خداوند بترس، کبر و تعصب در گناه او را می‌گیرد، پس جهنم برای او کافی است و بدجایگاهی است» و فرموده است: **﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ ۖ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ﴾^۲**؛ «پس آیا ممکن است که چون به حکومت دست یابید در زمین فساد انگیزید و پیوندهاتان را قطع کنید؟! آنان کسانی هستند که خداوند لعنت‌شان کرده، پس کرشان ساخته و دیدگانشان را کور نموده است»؛ همچنانکه علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی نیز در کتاب «بازگشت به اسلام»، آنان را محارب و مفسد در زمین و بزرگ‌ترین مانع بر سر راه امام مهدی علیه السلام دانسته و درباره‌ی‌شان فرموده است: «من اگر در زمین تمکن یابم، آنان را به سزای عملشان خواهم رساند؛ چراکه برداشتن آنان از سر راه مهدی، بر هر مسلمانی که متمکن از آن باشد، واجب است»^۳.

عجیب است که بزرگ‌ترین محارب‌ان و مفسدان در زمین، مردم ستم‌دیده و به‌ستوه‌آمده را محارب و مفسد در زمین می‌شمارند و اعدام می‌کنند و عجیب‌تر آنکه صدایی از عالمان مدّعی عدالت و مرجعیت در نمی‌آید، چنانکه گویی به سنگ یا چیزی سخت‌تر تبدیل شده‌اند! آنان همان کسانی هستند که در برابر دعوت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به سوی امام مهدی علیه السلام نیز سکوت کرده‌اند، چنانکه گویی کر هستند و نمی‌شنوند! آیا مال و موقعیت‌شان در دنیا این اندازه برایشان مهم و ارزشمند است که دین و آخرتشان را به آن فروخته‌اند و وجدان و شرفشان را زیر پا گذاشته‌اند؟! ننگ بر آنان و بر حاکمان محارب و مفسدی که با تقریر آنان، خون مردم را می‌ریزند و حدود خداوند را به بازی می‌گیرند؛ چراکه هر دو برای ساقط کردن اسلام و جلوگیری از ظهور امام مهدی علیه السلام، دست به دست یکدیگر داده‌اند!



تاریخ: ۱۴۰۱/۹/۲۴

نویسنده: علی اصغر حیدرپور

پرسش فرعی ۱

حکم کسانی که در آشوب‌های ایران، مأموران را به قتل رسانده‌اند چیست؟ آیا حکومت نباید با آن‌ها برخورد کند؟ کسانی که در این آشوب‌ها مرتکب قتل می‌شوند، بعد از اعدام چه سرنوشتی در برزخ خواهند داشت؟

۱. البقرة / ۲۰۵-۲۰۶
 ۲. محمد / ۲۲-۲۳
 ۳. بنگرید به: بازگشت به اسلام، ص ۲۶۴.

لطفاً به نکات زیر توجه کنید:

۱. چنانکه در مبحث «جواز خروج بر حاکمان ظالم» از کتاب شریف «بازگشت به اسلام» و پرسش‌ها و پاسخ‌های ۵۱۸ و ۵۲۰ توضیح داده شده، هر حاکمی جز خلیفه‌ی خداوند در زمین که با سلاح خود مردم را می‌زند تا به بیعت او داخل شوند، محارب و مفسد در زمین است و مبارزه با او به اعتبار ظلمش، جایز و مشمول یاری خداوند است، بلکه برداشتن او از سر راه خلیفه‌ی خداوند در زمین، بر هر مسلمانی که متمکن از آن باشد، واجب است. طبیعتاً این قاعده شامل کسانی که او را در ظلمش یاری می‌دهند نیز می‌شود؛ چراکه هیچ حاکم ظالمی بدون برخورداری از حمایت کسانی که از او در اوامرش اطاعت کنند و با اقدامات مسلحانه به سرکوب مخالفانش پردازند، نمی‌تواند به ظلم خویش بر مردم ادامه دهد. بنابراین، خروج مردم بر حاکم ظالم و جنگیدن با او، هرگاه مراتب قبلی امر به معروف و نهی از منکر را انجام داده باشند، اقدامی دفاعی محسوب می‌شود که در نگاه شرع مأذون است و با این وصف، کشتن مأمورانی که برای حمایت از حاکم ظالم به سرکوب مردم از طریق اظهار و استعمال سلاح می‌پردازند، برای مردمی که ممکن است توسط آنان کشته شوند، مباح است و گناه شمرده نمی‌شود. هر چند علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، مردم را به خویشستن داری و کار فرهنگی تا زمان باز شدن باب ارتباط با امام مهدی علیه السلام توصیه می‌کند و هر گونه اقدام مسلحانه و انقلابی پیش از آن را نامبارک و بدعاقبت می‌داند؛ چنانکه در حکمتی روشنگر و گران‌بها فرموده است:

«لَا تُعِينُوا الْحُكَّامَ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِذْ يَخْتَصِمُونَ، فَإِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَكْثَرُ لَكُمْ نَفْعًا وَإِلَى مَا يَصِيرُ أُمْرُهُمْ، وَلَا تَتَعَصَّبُوا لِأَحَدِهِمْ تَعَصَّبَ الْجَاهِلِيَّةِ، تَقُولُوا: هُوَ مِنْ قَوْمِي وَمَذْهَبِي، فَإِنَّ الظَّالِمَ لَا قَوْمَ لَهُ وَلَا مَذْهَبَ، وَلَا تَخْرُجُوا عَلَى أَحَدِهِمْ حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ لَكُمْ إِلَى الْمَهْدِيِّ سَبِيلًا»؛ «برخی حاکمان را بر برخی دیگر یاری نرسانید هنگامی که با هم می‌ستیزند؛ چراکه نمی‌دانید کدامشان برای شما سودمندترند و کارشان به کجا می‌انجامد و برای کسی از آنان تعصب نورزید تعصب جاهلیت که بگویید: او از قوم من و مذهب من است؛ چراکه ظالم را قوم یا مذهبی نیست و بر کسی از آنان خروج نکنید تا آن گاه که خداوند برایتان راهی به مهدی قرار دهد».

۲. برای شما بهتر است که به جای کنجکاوی درباره‌ی سرنوشت دیگران در برزخ، نگران سرنوشت خودتان در آن باشید؛ چراکه خصوصاً با توجه به نگرانی‌تان برای اعوان و انصار ظالمین به جای مردم مظلوم و به‌ستوه‌آمده، سرنوشت خودتان در آن معلوم نیست و برای انسان شایسته است

که نخست نگران سرنوشت خودش باشد. آری، هر کسی که با نهضت بازگشت به اسلام و زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام همراه نیست، سرنوشت بدی در برزخ خواهد داشت، ولی بدون شک بدترین سرنوشت در آن برای حاکمان ایران و حامیان و دوستداران آنان خواهد بود که همواره کانون و محور دشمنی با این نهضت مقدّس بوده‌اند و از هیچ تلاشی برای متوقّف کردن آن و مصادره‌ی پیام و گفتمان‌ش به سود خود فروگذار نکرده‌اند؛ چنانکه علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در وصف آنان فرموده است:

«با نام خدا، کام شیطان را برآورده‌اند و با نام دین، دام گسترانیده‌اند؛ پس نام خدا را بی‌حرمت ساخته‌اند و دین را از رونق انداخته‌اند!

هرآینه یافت نمی‌شود کسی که برای رضای خدا، زنا کند یا برای ثواب، به دزدی رود، ولی یافت می‌شوند کسانی که برای رضای خدا، خون بی‌گناهان را می‌ریزند و برای ثواب، تباهی می‌انگیزند و در حالی ستم می‌ورزند که خود را نمایندگان خدا در زمین می‌شمارند!...

وای بر آنان که مفسد و سرکوبگرند و می‌گویند که خداوند ما را گماشته است!
وای بر آنان که مصلحت خویش بر شریعت مقدّم می‌دارند و می‌گویند که خداوند ما را امر کرده است!

وای بر آنان که اموال مردم را به باطل می‌خورند و می‌گویند که خداوند ما را اذن داده است!...

چه کسی در دنیا از آنان ستمکارتر است و چه کسی در آخرت عذاب بزرگ‌تری دارد؟!
آیا نمی‌اندیشند از روزی که فرشته‌ی مرگ گلویشان را می‌گیرد و نفّسشان را قطع می‌کند و میان آنان و پیروانشان و هر چیزی که گرد آورده‌اند، جدایی می‌اندازد؟!...

آیا نمی‌ترسند از روزی که ندا داده می‌شوند: <کجایند ستمکارترین‌ها؟! کجایند کسانی که شیطان را می‌پرستیدند و می‌گفتند که خدا را می‌پرستیم؟! کجایند کسانی که در زمین افساد می‌کردند و می‌گفتند که اصلاح می‌کنیم؟!> پس از درون گورها و چکاد کوه‌ها و بستر دریاها و شکم درندگان و چینه‌دان پرندگان گرد می‌آیند و بر می‌خیزند، در حالی که پوششی بر آنان نیست و روی‌های‌شان سیاه است و مانند گلّه‌ی بزها به سوی محشر رانده می‌شوند، تا به حسابشان رسیدگی شود، چونان که به حساب احدی رسیدگی نشده باشد! آن گاه آنان را به زنجیر می‌کشند و دسته دسته به سَقَر می‌افکنند و آن درّه‌ای در بُن جهنّم است که شیاطین در آن افکنده می‌شوند، پس در آن پوست کنده می‌شوند، مانند مرغ برای بریانی!



آن گاه ندا داده می‌شود: <کجایند یاران اینان؟! کجایند کسانی که اینان را در کذب‌شان تصدیق کردند و فرمان بردند؟! کجایند دوستداران اینان و دوستداران دوستداران اینان؟!> پس مانند موران از هر سوراخی بیرون می‌آیند، در حالی که زشت‌روی و بدبویند و دل در گلو و جان بر لب دارند، پس به سوی محشر رانده می‌شوند، تا به حسابشان رسیدگی شود؛ نه عذری از آنان شنفته می‌شود و نه شفاعتی برایشان پذیرفته؛ تا آن گاه که به دروازه‌های جهنم می‌رسند و غریو آن را می‌شنوند که گویی بانگ انفجار است و لهییش را حس می‌کنند که گویی کوره‌ی آجرپزان است، پس گریان می‌شوند و نعره سر می‌دهند. پس دربانان به آنان می‌گویند: <ای پیروان ستمکارترین‌ها! آیا خداوند در زمین خلیفه‌ای قرار نداد؟!> می‌گویند: <قرار داد، ولی از او پیروی نکردیم، بلکه از ستمکارترین‌ها پیروی کردیم تا از قدرت و ثروتشان برخوردار شویم و شیطان برایمان آراست و گروهی نادان بودیم>. پس دربانان می‌گویند: <اینک به جهنم درآیید تا از عذاب آنان برخوردار شوید، همان گونه که در دنیا از قدرت و ثروتشان برخوردار شدید>. پس در میان دود و آتش به آنان می‌پیوندند، در حالی که بر آنان خشمگینند و لعنت‌شان می‌کنند و می‌گویند: <شما ما را به اینجا رساندید، هنگامی که ما را فریفتید و گفتید که از ما پیروی کنید تا خداوند از شما خشنود باشد>. پاسخ می‌دهند: <آیا ما مجبورتان کردیم؟! بلکه با خواست خود از ما پیروی کردید، تا از قدرت و ثروتمان برخوردار شوید و در ستم ما شریک بودید>. پس آتش در میان‌شان زبانه می‌کشد و گفتگوی‌شان را قطع می‌کند و آوازی بر می‌خیزد که <لعنت خداوند بر ستمکارترین‌ها؛ همان‌ها که بدون اذن خداوند بر کرسی او نشستند و به غیر چیزی که نازل کرده بود، حکم راندند و لعنت خداوند بر پیروان آن‌ها؛ همان‌ها که آن‌ها را تصدیق و یاری کردند، تا از قدرت و ثروتشان برخوردار باشند>. پس از رحمت خداوند ناامید می‌گردند و در می‌یابند که هیچ کدامشان را خلاصی نیست.^۱



بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی
بخش احکام و فتاوی



۱. گفتار ۱۴۲

www.alkhorasani.com

بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه توییتر بایگاه

صفحه اینستاگرام بایگاه

صفحه تلگرام بایگاه

صفحه فیسبوک بایگاه

لینک یوتیوب

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.